



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۱ جون ۲۰۲۲

میر عنایت الله سادات

## مقصد آنها چیست؟

ده ماه از بقدرت رسیدن طالبان میگذرد. ولی تاهنوزیک مشی مدون و پلان کاری ، از جانب آنها به جامعه رنج کشیده افغانها پیشکش نشده است. موضوع مورد بحث آنها درین مدت عمدتاً " روی این سه کلمه ( دستار ، ریش ، بورقه ) منمرکز بوده و معلوم نیست که بالا کشیدن شعارها روی این کلمات تا چی وقت ادامه میآید. قحطی و بیکاری در وطن ما بیداد میکند. اما طالبان برسراقتدار بخاطر حل این معضله ، هیچگونه انعطاف نشان نداده و به رهنمایی های اهل خرد و تجربه هم درین مورد توجه نمی نمایند. همینطور خلای نبود قانون بر جامعه مستولی بوده و تا هنوز این گروه به فکر آن نشده است ، تا عملکرد های خود را بر مبنای قانون استوار سازد. ممکن است آنها از فهم و پذیرش این اصول ناتوان اند که : " یک قدرت حاکم بدون بنیاد قانونی ، نمی تواند مثل حاکمیت ملی باشد." طالبان دروازه های مکاتب را بر روی متعلقات صنوف هفت الی دوازده بستند و با کمال نا آگاهی از احکام اسلام به این تصمیم شان صبغه دینی میدهند. بی خبر از این که اسلام ، فراگیری علم و دانش را بطوریکسان به زن و مرد حکم مینماید(1) بناء" تصمیم آنها بخاطر جلوگیری از تعلیم اناث ، مغایر احکام اسلام بوده و بیشتر با رسوم زن ستیزانه مروج در عصر قبل از اسلام (دوره جاهلیت) شباهت دارد.(2) همچو برداشت های نادرست از اسلام ، همیشه مورد انتقاد و نکوهش دانشمندان مسلمان قرار گرفته است. ولی گاهگاهی ، با استفاده از فرصت ، مبلغین جدید چنین برداشت ها ، در هر کجایی سر بلند میکنند. حضرت میرزا عبدالقادر بیدل در مورد این " غافلون" اینطور میگوید :

یک نخود کله و ده من دستار این کم و بیش چی معنی دارد

در دهه مشروطیت (1963-1973) که یک آرامش نسبی در جامعه برقرار بود و هنوز برخورد های مسلحانه در جامعه ما وجود نداشت. مخالفین طرز زندگی مدنی ، زیر نام " اخوانی ها " در جامعه ظاهر شدند. آنها موجودیت خود را با ضدیت علیه آزادی زن آغاز نموده و به این وسیله ، توجه جامعه را به خود جلب میکردند. آنان بر زنان بدون بورقه تیزاب پاشی مینمودند. دوصد زن با جراحات سوزنده داخل بستر شدند.(3) بررسی واقعات در چهار دهه اخیر نشان میدهد که هیچ فرقی میان برخورد مدنیت ستیزانه طالبان و عملکرد " تنظیم های جهادی " سرازیر شده از پاکستان و ایران وجود ندارد. هر دو گروه درین مدت دست به تخریب صدها مراکز تمدنی زده و زیر بناهای اقتصادی را ویران نمودند. بالا اثر اعمال مدنیت ستیزانه آنها هزارها معلم و دانش آموز جان باختند. طفلان در معرض خطر قرار گرفته و ظلم فراوان بر زنان تحمیل گردید. هریک از این گروه ها ، دعوی اسلام ناب را میکردند ولی در پس پرده ، مقاصد دیگری وجود داشت. با وجود اعتراضات وسیع منورین افغان و جامعه جهانی ، تجاوز بر حقوق بشری ، کمافی السابق ادامه دارد و روز تا روز در برابر تحقق عدالت و پیشرفت ، موانع جدید ایجاد میشود. این تجاوزات و موانعات را می توان منحصیث برخورد " بدویت" در برابر " مدنیت" تعریف کرد. ازین برخورد ها ، قدرتهای رقیب منطقوی و جهانی با شیوه های شیطانی سواستفاده نموده و بخاطر نیل به منافع جیواستراتیژیک شان در افغانستان ، در عقب این ویا آن گروه قرار میگیرند.

1 - علامه محمد باقر مجلسی ، "بحار الانوار" ، " طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمته " ، اصفهان ، (1006-1077)

2 - در عصر جاهلیت دختران نوزاد را ، زنده در گور میگرداند

3 - کاکر ، حسن " سقوط موناشرشی افغانی در 1973 " ، ژورنال بین المللی مطالعات شرق میانه ، انگلستان ، 1978 ، صفحه 203

د پائو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی

پاکستان و ایران پیوسته تلاش می‌ورزند که با برهم زدن اساسات زندگی مدنی، جلو پیشرفت و ارتقاء جامعه افغانی را بگیرند. تا نفوذ شان در کشور افغان زمین ادامه بیابد. یکی ازین تلاش‌ها، بی نقش ساختن نیم نفوس جامعه (زنان) میباشد. تا هرج و مرج دوام یافته و جامعه در مسیر قهقراپی قرار داشته باشد. قدرت‌های خارجی بالوسیلۀ وابستگی شان، آتش نفاق و فتنه را در جامعه افغانی پیوسته دامن می‌زنند. گرچه افغانهای وطن‌دوست، توجه عامه مردم را به شناسایی و دفع و طرد این فتنه‌ها جلب مینمایند. مگر متأسفانه طالبان حاکم، با عملکردهای ناشیانه خود متوجه انگیزه اصلی این فتنه‌ها نشده و منتقدین خود را همیشه سرکوب مینمایند.

آینه چون عیب تو بنمود راست خود شکن آینه شکستن خطا ست

با تأسف که خود منورین و مدافعان مدنیت در داخل و خارج کشور تا هنوز از انسجام و داشتن مشی همگانی برخوردار نیستند. حقایق نشان میدهد که قدرت‌های نید خل خارجی در میان افغانهای تحصیل کرده نیز ذهنیت سازی مینمایند. ازین میان تعداد انگشت شماری مفتون دسایس آنها شده اند. این خرابکاریها، آنقدر شدت یافته است که گماشتگان آنها با پررویی تمام از ضرورت تجزیه افغانستان سخن زده و حماسه‌های تاریخی مردم ما را وارونه جلوه میدهند. این حقاقت بعوض آنکه عملکرد عقب‌گرایانه طالبان را نکوهش کرده و وابستگی آنها را از سیاست‌های قدرت‌های خارجی مورد انتقاد قرار بدهند. حقایق را اغواء نموده و رفتار طالبان را به یک قوم خاص مربوط می‌سازند. هدف آنها از چنین طرز دید، کتمان ساختن توطئه‌های خارجی بوده و با دامن زدن تفاوت‌های قومی، آب را به آسیاب بیگانگان میریزند.

اگر اینطور نیست، پس مقصد آنها چیست؟ این چهره‌ها هیچگونه پیشنهادی برای ترقی و پیشرفت افغانستان ارائه نکرده اند. غیر از زیر سوال بردن هویت ملی افغانها و ایجاد جدل‌های لفظی و لسانی، کار دیگری از آنها ساخته نیست. نیات تخریبی این افراد و تمدن ستیزی طالبان دوطرف یک سکه است.

طالبان با بدست گرفتن اداره دولت، مقصود شانرا با عملکردهای عقب‌گرایانه خود باز هم برملا ساخته و مردم تحت اداره خود را مأیوس نموده اند. مردمان رنج کشیده که از گروه‌های شروفساد روی گشتانده و امیدی به اداره طالبان داشتند، اکنون روز تا روز از طالب نیز روی برمیگردانند.

با ادامه چنین وضع، طالبان در قطار تاجران دین قرار گرفته و مانند تنظیم‌های سلف شان فاقد اعتبار در میان افغانهای وطن‌دوست خواهند شد.

زما بر صوفی و ملا سلامی  
ولی تأویل شان در حیرت افگند  
که پیغام خدا گفتند ما را  
خدا و جبرئیل و مصطفی را  
"علامه اقبال"